

بِسْمِ تَعَالَى

چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در جهان پسا کرونا

گزارش نشست مشترک موسسه ایراس و بنیاد گورچاکف روسیه

گزارش راهبردی شماره ۲

تیرماه ۱۳۹۹



ایراس

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

The Institute for Iran-Eurasia Studies

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، موسسه‌ای پژوهشی و غیردولتی است که از سال ۱۳۸۳ به عنوان نخستین موسسه پژوهشی تخصصی در حوزه جغرافیایی اوراسیا فعالیت خود را آغاز کرده است. هدف موسسه مطالعه زمینه‌های موضوعی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واکاوی سیاست‌گذاری‌های معطوف به پهنه جغرافیایی اوراسیا است.

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)
آدرس: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از پارک ساعی،
کوچه شهید عطاالله امینی، پلاک ۲، واحد ۶
کدپستی: ۱۴۳۴۷۳۴۳۶۶
تلفن / دورنگار: ۸۸۷۷۰۵۸۶ - ۸۸۷۹۲۴۹۶
پایگاه اینترنتی: www.iras.ir

گزارش نشست مشترک موسسه ایراس و بنیاد گورچاکف روسیه

با موضوع

چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در جهان پسا کرونا

مقدمه

در تاریخ ۱۹ خرداد سال جاری موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) و بنیاد همکاری‌های دیپلماسی عمومی گورچاکف روسیه نشست ویدیویی مشترکی را با موضوع چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در جهان پسا کرونا برگزار کردند. در این نشست ابتدا آقای دکتر محمود شوری از طرف موسسه ایراس و سپس خانم یلنا دونایوا از طرف بنیاد گورچاکف دیدگاه‌های خود را در رابطه با موضوع مطرح شده بیان کردند و در ادامه نیز تعدادی از اعضای بنیاد گورچاکف پرسش‌ها و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند.

در آغاز این نشست آقای لئونید دراجفسکی رئیس بنیاد گورچاکف روسیه و آقای مهدی سنایی سفیر سابق ایران در روسیه و رئیس موسسه ایراس ضمن اشاره به سابقه طولانی همکاری موسسه ایراس و بنیاد گورچاکف بر ضرورت ادامه این همکاری‌ها با توجه به تحولات جهانی و شرایط غیر معمول روزهای اخیر تأکید کردند. گفت که ایران از دوران باستان تاکنون همیشه در مرکز اتفاقات

جهانی قرار داشته است و امروز نیز در این نشست تلاش خواهد شد تا روابط ایران و روسیه با توجه به رویدادهای جدید مورد بحث قرار بگیرد. متن حاضر خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در این نشست است.

مباحث مطرح شده

آقای دکتر محمود شوری بحث خود را با اشاره به خبر منتشر شده در خصوص ارایه پیش نویس قطعنامه برای تمدید تحریمهای تسلیحاتی ایران از سوی امریکا به اعضای دایم شورای امنیت از جمله روسیه آغاز کردند و در ادامه به نکات زیر اشاره کردند:

امریکایی‌ها در ادامه تلاش‌هایشان برای اعمال فشار حداکثری بر ایران و علیرغم خروج از برجام، در تلاش هستند تا همچنان از ساز و کار تعبیه شده در این توافق استفاده کنند و مانع از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران در زمان مقرر یعنی اکتبر سالجاری بشوند. این قطعنامه در صورت تصویب که البته احتمال آن هم خیلی زیاد نیست، در واقع میتواند به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران ایرانی آخرین میخ بر تابوت توافق برجام باشد. اگر چنین اتفاقی رخ بدهد حتما شرایط به این دلیل که ایران عملا به هیچیک از منافع خود در برجام دست نیافته است، با تغییرات ماهوی مواجه خواهد شد.

تردید نیست که این موضوع می‌تواند بر روابط ایران و روسیه هم تاثیرات قابل توجهی داشته باشد. روسیه حتما مهمترین کاندیدا برای فروش تسلیحات به ایران پس لغو تحریم‌هاست، ایران و روسیه

در این زمینه تاکنون تعاملات زیادی داشته‌اند و حتما لغو تحریمها منافی هم به لحاظ اقتصادی برای روسیه خواهد داشت و می‌تواند به تحکیم روابط دو کشور هم کمک کند، اما در صورت موفقیت امریکا در تحمیل نظر خودش به سایر اعضای شورای امنیت مسائلی مهمتر از دست رفتن منافع اقتصادی وجود خواهد داشت.

موفقیت امریکا در این مسئله می‌تواند همانطور که اشاره شد به پایان توافق برجام منتهی بشود و عملا تلاش‌های پنج قدرت جهانی دیگر برای رسیدن به این توافق مهم بین‌المللی در سالهای گذشته را از بین ببرد.

مطمئناً نه روسیه و نه حتی قدرت‌های اروپایی و نه هیچ کشور دیگری جز امریکا علاقه‌ای به از دست رفتن این توافق نخواهند داشت. اما با این حال نمی‌شود ابزارهای امریکا برای رسیدن به اهداف خودش را هم دست کم گرفت. آنها هم ابزارهای متعددی دارند که بتوانند نظرات خودشان را بر دیگران تحمیل کنند. امریکا از همین الان فرایند تطمیع کردن را با دعوت از روسیه به اجلاس جی ۷ آغاز کرده است. یک ابزار دیگر هم تهدید و تحریم است.

مسئله مهم در این زمینه بیشتر در واقع پیروزی سیاست قلدردمآبانه و یکجانبه گرایانه بر دیپلماسی و همکاری جمعی و از دست رفتن اعتبار سایر طرفهای توافق برجام است. در این شرایط روسیه و چین

اگر از یک جهان چند قطبی حرف میزنند و یک جهان چند قطبی را جهان امن تر و بهتری می‌دانند، حتما این موضوع آزمون مهم و سختی برای آنها و برای ایده جهان چند قطبی خواهد بود.

از طرف دیگر ادبیات و کلماتی که خانم گرفت نماینده امریکا در سازمان ملل هنگام ارایه این پیش نویس خطاب به روسیه و چین به کار برد هم تامل برانگیز است. خانم گرفت از روسیه و چین می‌خواهد که در رابطه با ایران به اتفاق نظر جهانی بیوندند. یعنی این ادبیات که امریکا و جهان در یکسو قرار دارند و کشورهایی مانند چین و روسیه در طرف دیگر همچنان از سوی امریکا تکرار میشود.

حتما امریکایی‌ها به دنبال این هستند که از این موفقیت احتمالی خودشان برای احیای موقعیت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری استفاده کنند که این موضوع یعنی انتخاب مجدد ترامپ هم تبعات خودش را دارد. این موضوع اگرچه ممکن است در روسیه زیاد جدی گرفته نشود اما قدرتیابی مجدد ترامپ برای هیچکس از جمله روسیه خبر خوبی نیست.

به هر حال جهان الان با دو بحران و یا دو مشکل جدی مواجه است: کرونا و ترامپ. هر دوی این مشکلات به حد کافی آزاردهنده و نگران کننده هستند. مهمترین وجه تشابه کرونا و ترامپ این است که هر دوی اینها به هیچ نظم و قاعده و قانونی پایبند نیستند و ضربه‌ها و آسیب‌های جبران ناپذیری بر موضوع همکاری بین‌المللی زده‌اند. هر دوی اینها دولتها و افکار عمومی جهانی را متقاعد

کرده‌اند که قاعده خودیاری یا self-helping همچنان مهم‌ترین قاعده روابط بین‌الملل است. این

قاعده در وجه افراطی اش می‌تواند جهان را به دوران پیش از جنگ جهانی اول سوق بدهد.

در مورد ترامپ آن چیزی که احتمالاً برای روابط ایران و روسیه می‌تواند اهمیت داشته باشد این

است که چه آینده‌ای برای روابط ایران و آمریکا با وجود ترامپ قابل پیش‌بینی است. در سه سال

گذشته تنش میان ایران و آمریکا به بالاترین حد خودش رسید و دو کشور پس از موضوع ترور

ژنرال سلیمانی تا آستانه یک جنگ همه‌جانبه هم به پیش رفتند. با این حال این موضوع یعنی ورود

به یک درگیری همه‌جانبه با ایران چیزی نیست که امریکایی‌ها جرأت و علاقه ورود به آن را داشته

باشند و یا حاضر به پذیرش هزینه‌های آن باشند.

اگرچه ترور ژنرال سلیمانی ضربه بسیار سخت و سنگینی برای ایران بود اما پاسخ متقابل ایران

امریکایی‌ها را به این نتیجه رساند که در صورت اقدام نظامی باید خود را برای یک درگیری جدی

و درازمدت آماده کنند. طی سه سال گذشته امریکایی‌ها نمایش‌ها و مانورهای تبلیغاتی زیادی در

مورد قریب‌الوقوع بودن برخورد نظامی با ایران داده‌اند اما هیچوقت جرات عملیاتی کردن تهدیدهای

خودشان را نداشته‌اند. این تلاشها ظاهراً بیشتر مانورهایی برای راضی نگه داشتن کشورهای منطقه

بوده است.

موضوع دیگری که جایگاه مهمی در روند همکاریهای ایران و روسیه دارد مسئله سوریه و آینده این کشور است. ایران، روسیه و ترکیه برای مدیریت بحران سوریه روند آستانه را پایه گذاری کردند و این مکانیسم موفقیت‌های زیادی هم در مدیریت این بحران و ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه به دست آورد. روند آستانه یک نمونه موفق از همکاری‌های منطقه‌ای میان سه قدرت تاثیرگذار در تحولات منطقه‌ای است که تا پیش از این بحرانها در آن به وسیله امریکا مدیریت میشد. این روند در حال حاضر به دلایل مختلف از جمله به دلیل اقدامات ترکیه در شمال سوریه تا حدودی به کما رفته و در وضعیت تعلیق قرار دارد.

در اینجا دو نکته مهم است: اول اینکه ترکیه از جدا کردن مسیر خودش از روند آستانه چیز زیادی به دست نخواهد آورد. حتما دستاوردهای ترکیه از طریق روند آستانه خیلی بیشتر می‌توانست باشد و هزینه‌های کمتری هم می‌پرداخت. و دوم اینکه که ایران و روسیه در صورت معلق ماندن روند آستانه چیز زیادی را از دست نمی‌دهند. وضعیت در سوریه به گونه‌ای است که هر یک از سه کشور ایران روسیه و ترکیه در صورت تداوم همکاری با یکدیگر حتما منافعشان بیشتر خواهد بود تا اینکه هر کدام از این سه کشور بخواهند به طور مجزا اهداف خود را دنبال کنند.

یک واقعیت غیر قابل انکار این است که نوع رابطه میان ایران و روسیه و سطح همکاری‌های دو کشور چه بخواهیم و چه نخواهیم به یک عامل و متغیر مهم و تعیین کننده در سطح منطقه‌ای و حتی

بین‌المللی تبدیل شده است. به عبارت دیگر هر سه وجه محتمل یا هر سه سناریوی ممکن در آینده روابط دو کشور، یعنی تداوم وضع موجود، گسترش همکاریها و یا حتی افزایش اختلافها و فاصله گرفتن ایران و روسیه از یکدیگر می‌تواند شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر خودش قرار دهد. دقیقاً به دلیل اهمیت روابط دو کشور و میزان تأثیرگذاری آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، این رابطه در سه دهه گذشته با چالش‌ها و موانع متعددی هم مواجه بوده است. به همین دلیل ما ناگزیر هستیم به طور مداوم ابعاد مختلف این رابطه را دائماً با توجه به تحولات و رخداد‌های جدید مورد بازبینی و بررسی قرار دهیم.

فارغ از اینکه چه ارزیابی یا قضاوتی در مورد روابط ایران و روسیه داشته باشیم در این موضوع نمی‌توان تردید ایجاد کرد که اگر رابطه ایران و روسیه متفاوت از آنچه که الان هست بود شرایط در سطح منطقه‌ای در آسیای مرکزی، قفقاز، منطقه خزر، خاورمیانه و به طور مشخص موضوع سوریه و حتی در سطح بین‌المللی به گونه دیگری بود. در واقع، آن چیزی که شرایط موجود منطقه‌ای را رقم زده نوع رابطه نزدیک میان ایران و روسیه بوده است. اگر روابط دو کشور به سمت یک رابطه خصمانه پیش می‌رفت شرایط در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌توانست هم برای ایران و هم برای روسیه وضعیت تهدیدآمیزتری باشد. همچنین دستاوردهایی که ایران و روسیه در خاورمیانه و موضوع سوریه داشتند هم حتماً تحقق پیدا نمی‌کرد.

در ادامه نشست خانم یلنا دونایوا ابتدا به موضوع تاثیر شدید پاندمی کرونا بر زندگی انسان‌ها و حتی روابط بین‌الملل پرداخت و اشاره کرد که پاندمی کوید-۱۹ علاوه بر نشان دادن ناکارآمدی نهادهای ملی کشورها در دفع چنین تهدیدی، روی دیگری هم دارد و آن جنبه بین‌المللی آن است. به این مفهوم که هر چقدر هم یک دولت خودش در مقابله با این همه‌گیری قوی عمل کند، باز هم به صورت کامل از آن در امان نمی‌ماند و در چنین شرایطی است که هماهنگی و یکپارچگی تلاش کشورها اهمیت پیدا می‌کند چراکه نهادهای بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل هم در تعریف مکانیزمی موفق برای مقابله با این پاندمی ناتوان بوده‌اند.

به اعتقاد خانم دونایوا هنوز تاثیر اقتصادی که این همه‌گیری بر کشورها داشته به طور کامل قابل پیش‌بینی نیست اما چیزی که مشخص است کاهش شدید رشد اقتصادی و ضربه بزرگی است که به دلیل توقف حمل و نقل زمینی و هوایی به تجارت بین‌المللی وارد شده است.

روسیه و ایران در این شرایط از دو طرف تحت فشار قرار دارند؛ کرونا و تحریم. و این شرایط است که کشورهای ما را به سمت تقویت همکاری سوق می‌دهد. البته روابط ما در این شرایط لطمه‌هایی هم خورده برای مثال ارتباط مستقیم و دیدارهای شخصی مقامات متوقف شده، اما در عین حال شاهد تقویت همکاری در عرصه بشردوستانه بودیم چراکه روسیه در اوایل ماه مارس بسته کمکی لوازم بهداشتی برای ایران ارسال کرد و در ماه می هم ایران کمک خود در این زمینه را به روسیه

پیشنهاد کرد. به علاوه در زمینه بهداشتی ارتباطاتی میان کارشناسان دو کشور برقرار شد تا به این ترتیب یک حوزه جدید برای همکاری میان کشورهای ما پیدا شود. یعنی هم‌رسانی تجربه در مبارزه با همه‌گیری، همکاری در تولید واکسن و دستگاه تست و تعیین خط مشی برای اقدامات آتی در این زمینه. یک زمینه مهم دیگر برای همکاری می‌تواند تلاش ما برای شفافیت در زمینه تحقیقات بیولوژیک و نظامی-بیولوژیک باشد.

به گفته خانم دونایوا همه میدانند که روسیه چند سال است پیشنهاد می‌کند تا کنوانسیون مربوط به ممنوعیت تولید سلاح بیولوژیک و سمی با یک مکانیزم کارآمد کنترلی کامل شود. در شرایطی که صحبت‌هایی از امکان آزمایشگاهی بودن ویروس کرونا جدید وجود دارد، ممکن است جامعه جهانی بالاخره به سوی ایجاد چنین ممنوعیتی گام بردارد.

در این شرایط یک باب دیگر هم برای گفتگو میان دو کشور باز می‌شود و آن هم بی‌میلی نهادهای مذهبی در هر دو کشور برای بستن مکان‌های مقدس در ابتدای شیوع کرونا بود. از آنجایی که همواره میان افراد تصمیم‌گیرنده در حوزه دین اسلام در ایران و مسئولین مسیحی ارتدکس روسیه ارتباط و گفتگو برقرار است، این موضوع هم می‌تواند میان طرفین بررسی گردد.

همچنین باید اشاره کرد که در شرایط کرونا روسیه همواره در سازمان ملل بر ضرورت رفع تحریم‌ها علیه ایران تأکید کرده است، به ویژه که ایران برای مبارزه با کووید-۱۹ به خرید لوازم بهداشتی نیاز

دارد. البته بعد از شرایط همه گیری، زمینه‌های دیگری هم برای همکاری میان ایران و روسیه باز می‌شود، همچون همکاری در عرصه‌های علمی و نظام و زیرساخت بهداشت و سلامت. تجربه کووید-۱۹ نشان داده کشورهایی که نظام بهداشتی منسجم تحت کنترل دولت دارند عملکرد بهتری در این شرایط داشته‌اند و بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، نظام بهداشتی ایران نیز یکی از بهترین‌ها در خاورمیانه است و ۹۰ درصد از جمعیت این کشور را تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

به گفته خانم دونایوا روابط ایران و روسیه اکنون در سطحی بی سابقه است و با واژه علمگرایی می‌توان آن را توصیف کرد. روسیه معتقد است که ارتباطش با ایران برای مسکو به معنای توجه به منافع ملی و ثبات در منطقه‌ای بزرگ از شمال آفریقا و خاورمیانه تا آسیای مرکزی است. ایران برای روسیه امروز در درجه نخست یک شریک ژئوپلیتیک است. در نزدیکی دو کشور مشکلات زیادی وجود دارد از جمله حل و فصل بحران در سوریه، وضعیت افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز. بین دو کشور هماهنگی خوبی در فعالیت‌ها برقرار شده که در عین حال فعالیت آزادانه هر یک را هم محدود نمی‌کند.

خانم دونایوا با اشاره به منافع ملی ایران و روسیه گفت: روسیه می‌داند که هر کشوری منافع خاص خود را دارد و در مورد ایران نگاه داشتن تهران در چارچوب برجام بسیار مهم است. هرچند می‌دانیم ایران ۵ مرحله برای خروج از تعهداتش در چارچوب برجام تعریف کرده و این موضوع برای ما قابل

درک هست، اما گزارش آخر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اینکه ایران اجازه دسترسی به دو سایتی را نمی‌دهد که ممکن است مواد اتمی در آنجا داشته باشد، باعث نگرانی روسیه است و مسکو به ایران پیشنهاد می‌دهد تا این موضوع را روشن کند. چراکه حفظ ارتباط خوب میان ایران و آژانس، اصلی‌ترین شرط برای آینده همکاری جامعه جهانی با ایران است. فارغ از اقدامات آتی آمریکا، حفظ ایران در برجام موضوع بسیار مهمی برای عادی‌سازی شرایطی که در اطراف ایران شکل گرفته است می‌باشد.

خانم دونایوا در زمینه تمدید تحریم تسلیحاتی ایران هم گفت که روسیه مخالفت خود را با این موضوع اعلام کرده و همکاری دو کشور در زمینه سوریه نیز با توجه به اهداف استراتژیک مشترک همکاری‌ها ادامه می‌یابد. در زمینه حل و فصل بحران سوریه با هم نظر هستیم اما هر کشور منافع ملی خود را هم در سوریه دنبال می‌کند. برای روسیه جلوگیری از درگیری مستقیم ایران و اسرائیل در سوریه بسیار مهم است. علاوه بر این، موضوع افغانستان برای ایران و روسیه بسیار مهم است. فرمت‌های همکاری زیادی در این زمینه وجود دارد. همچون فرمت گفتگوی روسیه، آمریکا و چین که پاکستان هم به آن ملحق می‌شود. در این زمینه‌ها باید بعد از منافع مردم افغانستان، منافع کشورهای اطراف آن را هم در نظر گرفت.

به اعتقاد خانم دونایوا مهمترین موضوع در روابط ایران و روسیه این است که سطح همکاری‌های اقتصادی به هیچ وجه با سطح بالای همکاری سیاسی میان دو کشور قابل قیاس نیست. البته تحریم مانع بزرگی در این زمینه است، زیرا آمریکا ایران را کاملاً از سیستم جهانی بانکداری جدا کرده و شرکت‌هایی هم که با ایران همکاری کنند به ویژه در عرصه نفتی و فلزات با تحریم مواجه می‌شوند. متأسفانه مبادلات تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۹ بیش از ۸ درصد کاهش یافت و سهم ایران از تجارت خارجی روسیه تنها ۰,۲ درصد است. بسته شدن مرزها (به ویژه آذربایجان) در سه ماه اخیر این وضعیت را بدتر هم کرده است.

خانم دونایوا همچنین گفت که دو کشور می‌توانند بر گسترش تجارت از طریق خزر بیشتر تمرکز کنند، چراکه روسیه در سال‌های اخیر دو بندر مهم ماخاچ قلعه و آستراخان را بازسازی کرده که هم می‌توانند پذیرای حجم زیادی کشتی‌های باری باشند هم کروزها مسافربری. گام مهم در این زمینه هم امضای قرارداد موقت ایجاد منطقه آزاد تجاری میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. آمارها نشان می‌دهد در ۵ ماه مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ۱,۵ میلیارد دلار رسید. ۳۳ درصد از این میزان صادرات ایران است و ۶۷ درصد وارداتش از کشورهای عضو این اتحادیه که البته هم در این صادرات و هم واردات، بیشترین سهم برای روسیه

است. نکته مهم این است که در سال ۲۰۱۹ حدود ۵۰ درصد از مبادلات تجاری میان دو کشور با پول ملی انجام شده است.

اخیرا گفتگوی روسیه و ایران در زمینه همکاری منطقه‌ای بیشتر شده است. این موضوع به شناخت بیشتر از هم کمک می‌کند. برای مثال برخی تجار در شهر نواسییرسک روسیه با وجود فاصله زیاد از ایران با این کشور ارتباط مستقیم دارند و حتی اخیرا هفته فرهنگی ایران و یک نمایشگاه ایرانی در این شهر برگزار شده است.

خانم دونایوا همچنین گفت: بعد از سال‌ها مطالعه ایران، می‌توانم بگویم که ایجاد ارتباط اقتصادی مستحکم می‌تواند تضمین کننده نزدیکی بیشتر دولت‌ها در آینده باشد. چراکه کشورها ممکن است در طول زمان اولویت‌های خود را تغییر دهند و سیاست یا سیستم‌شان عوض شود اما ارتباطاتی که در زمینه اقتصادی ایجاد می‌شوند یا همکاری‌های بشردوستانه و ارتباط میان مردم دو کشور، دقیقا تضمین کننده همکاری ادامه دار در آینده است.

خانم دونایوا افزود: با توجه به اینکه سال‌ها زبان فارسی و ایران شناسی در دانشگاه تدریس کرده‌ام از طرفداران پر و پا قرص گسترش همکاری میان جوانان ایران و روسیه هستم اما باید بگویم که متأسفانه جوانان ایرانی نگاهی منفی به روابط به روسیه دارند. نمی‌خواهم به دلایل این موضوع پردازم همچون قرارداد ترکمانچای که تاثیر منفی بر نگاه ایرانیان به روابط ما دارد. هرچند از

کارشناسان دو طرف همیشه خواسته‌ام این موضوعات و حوادث تاریخی را به طور دقیق بررسی و دوباره ارزیابی کنند. ما کتاب‌های درسی مدارس ایران را دیده‌ایم و چنین پروژه‌های مشترکی کمک می‌کنند تا نگاه به این موضوعات در کتب درسی تاریخ مدارس ایران تغییر کند، چراکه در این کتب روسیه به عنوان یک دشمن و استعمارگر به تصویر کشیده می‌شود که همیشه می‌خواسته ایران را تحت سلطه خود بگیرد که با این رویکرد به جایی نمی‌رسیم. گسترش روابط ما در سال‌های اخیر تاثیر مثبتی داشته و اکنون در دیدار با جوانان ایرانی در کنفرانس‌ها و نشست‌ها می‌بینیم که بیشتر نگاه واقعی دارند و این را تا حد زیادی مرهون فعالیت‌های موسسه‌هایی مانند ایراس و به ویژه دکتر سنایی هستیم که گروه روسیه شناسی در دانشگاه تهران ایجاد کرده و این رشته را گسترش دادند. نگاه جوانان ایران نسبت به روسیه بیشتر از کانال‌های غربی (فارسی زبان) شکل می‌گیرد. در سال‌های اخیر پروژه‌های مبادله دانشجوی و نشست مشترک روسای دانشگاه‌های دو کشور تاثیر خوبی داشته و خیلی مهم است که نگاه جوانان ایران به روسیه را تغییر دهیم. غیر از این مبادله دانشجوی متأسفانه فرمت و برنامه مهمی برای افزایش کارها در این زمینه نیست و فکر می‌کنیم گام نخست برای چنین اقدامی فعال کردن رایزنی فرهنگی روسیه در ایران است. نماینده نهاد روس ساترودنیچستوا در ایران فعال است اما به صورت یک انستیتوی تبلیغاتی برای روسیه فعالیت نمی‌کند.